

درباره چگونگی ابدال صفت فاعلی به مفعولی

اکرم‌السادات حاجی‌سیدآقایی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

چکیده: بسیاری از واژه‌های رایج در زبان فارسی امروز در طول تاریخ دستخوش تحولاتی بوده‌اند. برخی از این تحولات مربوط به فارسی میانه است و برخی دیگر — تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد — در فارسی دری روی داده و اثری از کاربرد آن در فارسی میانه دیده نمی‌شود. از جمله این تحولات، دگرگونی‌هایی است که در پسوند «_نده» روی داده است. حذف *g* پایانی آن از جمله این تبدیلات است؛ ضمن آنکه تحولاتی نیز در خوشه *nd* موجود در این پسوند روی داده است. این مقاله به تحولات پسوند «_نده» در فارسی دوره رشد و تکوین می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: تحولات آوایی، پسوند «_نده»، خوشه *nd*، صفت فاعلی، صفت مفعولی.

در شماره نهم و دهم سال سوم مجله پژوهش‌های ادبی (۱۳۸۴) مقاله‌ای از این نگارنده با عنوان «نگاهی به پسوند _نده و تحولات آن» منتشر شد. در آن مقاله به صورت‌های تلفظی و تحولات آواشناختی این پسوند در فارسی دوره رشد و تکوین پرداختم و شواهد متعدد از متون گوناگون به دست دادم. چون نگارنده، ضمن مطالعه در متون کهن، به صورت‌های تلفظی و نیز تحولات آواشناختی دیگر برخورد، تصمیم گرفت این

موارد را در نوشتاری دیگر ارائه کند. نوشته‌ای که اینک عرضه می‌شود مکمل آن مقاله است.

از آنجاکه مطالب دو مقاله به هم کاملاً مرتبط است ابتدا خلاصه‌ای از مقاله اول را می‌آوریم و سپس به مطالب جدید می‌پردازیم:

پسوند «نَده» -ande- در فارسی معاصر و -anda- و -ande- و -inda- در فارسی دری باقی‌ماندهٔ پسوند -andag- (در فارسی میانهٔ زردشتی) و -indag- (در پهلوی اشکانی ترفانی و فارسی میانهٔ ترفانی) است. -andag- یا -indag- با پیوستن به مادهٔ مضارع، صفت فاعلی مضارع می‌سازد. دو صورت مزبور، به نوبهٔ خود بازماندهٔ -ant-aka- ایرانی باستان^۱ است (ابوالقاسمی ۱۳۷۷: ۵۹-۶۰).

-andag- و -indag- با حذف g در پایان کلمه به صورت -anda- و -ande- و -inda- در فارسی دری با ماده‌های مضارع افعال ترکیب می‌شوند و صفات فاعلی را پدید می‌آورند. البته کثرت صفات فاعلی ساخته شده با -anda- نشان می‌دهد که در این دوران، این صورت بیشتر رایج بوده تا سایر صورت‌ها؛ اما به کار رفتن -ande- و -inda- در کنار این صورت، کاملاً قابل اعتناست و تا کنون بدان توجهی نشده و کسی متعرض وجود این دو تلفظ از این پسوند در دوران حیات فارسی دری نگشته است. اکنون برای اثبات این مدعا چند شاهد که دال بر استعمال -anda- و -ande- و -inda- در صفات فاعلی فارسی دری هستند، ذکر می‌شود:

-anda

سَبَّيْهَنَدَه، در ترجمه عَنَيْدًا (فرهنگنامهٔ قرآنی، ج ۳، ص ۱۰۵۳، قرآن ۴۲)؛
 نازاينَدَه، در ترجمه عَاقِرًا (همان، ج ۳، ص ۹۹۶، قرآن ۴۱).

-ande

اَمْرُزِشْ خَوَاهَنْدِگَان، در ترجمه اَلْمُسْتَعْفِرِينَ (همان، ج ۳، ص ۱۳۵۳، قرآن ۴۲)؛
 پَرِسْتَنْدِگَان، در ترجمه عَبَدًا (همان، ج ۳، ص ۱۰۰۱، قرآن ۹۴).

۱. منظور از «ایرانی باستان» زبانی است که اوستایی و فارسی باستان از آن منشعب شده‌اند و اثری از آن به جای نمانده است و آن را به کمک اوستایی و فارسی باستان و زبان سنسکریت بازسازی کرده‌اند.

-inda

بازگردآینده، در ترجمه راد^۱ (همان، ج ۲، ص ۷۶۶، قرآن ۵۵)؛
بیرون آیندگان، در ترجمه خارِجین (همان، ج ۲، ص ۶۸۴، قرآن ۵۳).

تحولات آوایی صورت گرفته بر خوشه [nd] موجود در پسوند

در دوران حیات فارسی دری، تغییرات آواشناختی‌ای بر روی این پسوند روی داده است که بر اساس این تحولات، صفات فاعلی متشکل از این پسوند به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. دسته اول واژه‌هایی هستند که هیچ نوع تحول آوایی‌ای بر روی آنها رخ نداده است، همچون مثال‌هایی که پیش‌تر گذشت (البته اگر تحول a به i (در امروز: e) را در -ande به حساب نیاوریم).^۱

۲. دسته دوم واژه‌هایی هستند که خوشه [nd] موجود در پسوند آنها به شکل [n] به کار رفته است که ظاهراً مخفف [nm]^۲ است و می‌توان آن را این‌گونه به تصویر کشید:

-nd- > -n(n)- > -n-

چند شاهد از این دست:

آمرزنگان، به جای آمرزندگان، در ترجمه غافرین (همان، ج ۳، ص ۱۰۶۱، قرآن ۱۳۰)؛
ازحدگذرندگان (م: کذرنگان)، به جای ازحدگذرندگان، در ترجمه طاغون^۳: «ایشان گروهی اند ازحدگذرندگان.» (ترجمه و قصه‌های قرآن، ج ۲، ص ۱۱۲۰)؛ اندازه درگذرندگان (م: در کذرنگان)^۴، به جای اندازه درگذرندگان، در ترجمه معتدین: «که او دوست ندارد اندازه در گذرندگان را»^۵ (همان، ج ۱، ص ۲۴۸)؛ بازگردانگان، به جای بازگرداندگان، در

۱. در اینجا، چون تحولات آوایی صورت گرفته بر خوشه [nd] بررسی می‌شود، تحول a به e را به حساب نیاوردیم و اگر این تحول را به شمار آوریم، صفات فاعلی به پنج دسته تقسیم می‌شوند.

۲. تبدیل d به n در مجاورت n دیگر، خاص صفات فاعلی فارسی دری نیست، بلکه سابقه‌ای قدیم‌تر دارد و در واژه‌های دیگر نیز به چشم می‌خورد. خوشه [nd] ایرانی باستان، در فارسی میانه ترفانی به [nm] تبدیل شده، اما در پهلوی اشکانی ترفانی باقی مانده است. به عنوان مثال، کلمه بنده فارسی دری در فارسی باستان -bandaka بوده و در پهلوی اشکانی ترفانی bandag است و در متون فارسی میانه ترفانی به bannag تبدیل شده است (ابوالقاسمی ۱۳۸۴: ۱۵۶).

۳. مصححان کلمه «گذرندگان» را به حاشیه برده و به جایش «درگذرندگان» قرار داده‌اند.

۴. حرف «ن» در «درگذرندگان» در متن بدون نقطه است.

۵. سوره اعراف (۷)، آیه ۵۴. مصححان «درگذرندگان» را به «درگذرندگان» تغییر دادند.

ترجمه مُرْدُوذون: «و می‌گویند: آیا ما بازگردانگیم اندر گورها؟» (ترجمه تفسیر طبری، ج ۷، ص ۱۹۸۰).

تحول آوایی [nd] به [n] در طی قرون چهارم تا دوازدهم هجری رایج بوده است و این تحول بیشتر در کتاب‌هایی به چشم می‌خورد که در شمال شرق و شرق ایران، مانند ماوراءالنهر، خراسان و نیشابور نگاشته شده‌اند.^۱ ردّ پای این تحول را در برخی گویش‌های معاصر مانند گویش نهاوندی و لری و بختیاری نیز می‌توان یافت.

۳. دسته سوم واژه‌هایی هستند که خوشه [nd] موجود در پسوند آنها به شکل [d] به کار رفته است و ظاهراً مخفف [dd]^۲ است و می‌توان آن را به شکل زیر نمایش داد:

-nd- > -d(d)- > -d-

چند شاهد از این دست:

آفریننده، به‌جای آفریننده، در ترجمه خَالِق: «من آفریننده‌ام - ای: می‌خواهم آفرید - مردمی را» (سورآبادی، ج ۵، ص ۳۵۶۲، ح، نسخه بدل «لن»، مربوط به ج ۲، ص ۱۲۵۶)؛ آفریننده، به‌جای آفریننده، در ترجمه بدیع (فرهنگنامه قرآنی، ج ۱، ص ۳۳۸، قرآن ۵۳)؛ ببرده، به‌جای ببرنده، در ترجمه کاشیف (همان، ج ۳، ص ۱۱۸۴، قرآن ۹)؛ بخشنده، به‌جای بخشنده، در ترجمه الواهب (دهار، ج ۱، ص ۶۵۲)؛ خوردگان، به‌جای خورندگان، در ترجمه اُكَّالُون (فرهنگنامه قرآنی، ج ۱، ص ۲۱۸، قرآن ۱۳۰) و در ترجمه شَارْبُون (همان، ج ۲، ص ۸۸۲، قرآن ۱۳۹)؛ راه‌یافتگان، به‌جای راه‌یافتندگان، در ترجمه الرَّاشِدُون (همان، ج ۲، ص ۷۶۸، قرآن ۳۰)؛ روده، به‌جای رونده، در ترجمه دَابَّة: «و نیست هیچ روده که نه خدای ها گرفته است ناصیت او» (اسفراینی، ج ۳، ص ۱۰۲۷، حاشیه)؛ شکافده، به‌جای شکافنده، در ترجمه مَوَاحِر: «و بینی کشتی را شکافده در او» (رازی، ج ۱۲، ص ۴)؛ شنودگان، به‌جای شنودگان، در ترجمه سَمَاعُون: «و از آن کسها که جهودانند، شنودگان بدروغ، شنودگان گروهی دیگران نه آمدند بتو که رانند سخن از پس جایگاه آن» (ترجمه

۱. شایان توجه است که این تاریخ و مکان بر اساس زمان و مکان تدوین یا کتابت شواهدی است که در مقاله

«نگاهی به پسوند نده و تحولات آن» آمده و در اینجا برای رعایت اختصار چند نمونه از آن نقل شده است.

۲. نمونه این تحول در کلمات دیگر و در زمان قدیم‌تر دیده شده است. برخی واژه‌ها از ایرانی میانه غربی، به‌ویژه از پهلوی اشکانی، به زبان‌های دیگر نفوذ کرده است. از جمله این واژه‌ها کلمه «اندام» است که در پهلوی اشکانی ترفانی handām است و در سریانی به‌صورت haddāmā درآمده است که در آن تحول مزبور به چشم می‌خورد (ابوالقاسمی ۱۳۸۴: ۱۷۱).

تفسیر طبری، ج ۲، ص ۳۹۳؛ گستردگان، به جای گسترندگان، در ترجمه ماهدون (فرهنگنامه قرآنی، ج ۳، ص ۱۲۸۷، قرآن ۱۳۴)؛ نگردگان، به جای نگرندگان، در ترجمه ناظرین: «آن دست او گشت سپید او روشن مر نگردگان را» (ترجمه قرآن موزه پارس، ص ۹۲).

تحول nd به d در قرون چهار تا دوازده هجری در حوزه شهرهای ماوراءالنهر و ری و نیشابور و خراسان رایج بوده است؛ به عبارت دیگر، این تحول در قلمرو لهجه‌های مرکزی و شرق و شمال شرق ایران روی داده است.

۴. دسته چهارم، صفاتی هستند که خوشه [nd] موجود در پسوند آنها در خط با تکرار نشانه «ن»، نوشته می‌شود که این امر می‌تواند علامتی باشد برای نشان دادن غنه‌ای بودن مصوت پیش از این خوشه همخوان و anda- ظاهراً باید [ānda] تلفظ شود. چند مثال:

افتنده، به جای افتنده، در ترجمه واقع (فرهنگنامه قرآنی، ج ۴، ص ۱۵۹۶، قرآن ۱۳۹)؛ پرسندگان، به جای پرسندگان، در ترجمه سائلین (همان، ج ۲، ص ۸۳۱، قرآن ۹۱)؛ تاونده، به جای تاونده، در ترجمه بازغاً: «چون بدید ماه را بر آینده و تاونده گفت ای این بود خدای من» (سورآبادی، ج ۵، ص ۳۲۷۵، حاشیه، نسخه بدل «کا»، مربوط به ج ۱، ص ۶۷۶، س ۱۵)؛ شکافنده، به جای شکافنده، در ترجمه فاطر (فرهنگنامه قرآنی، ج ۳، ص ۱۰۸۹، قرآن ۴۱).

بررسی حوزه زمانی و مکانی متونی که مشمول این قاعده آوایی شده‌اند، نشان می‌دهد که تحول فوق در قرون چهارم تا دهم هجری در حوزه شهرهای ماوراءالنهر (چون بخارا، نسف، سمرقند، بلخ و اسپجانب و فرغانه و غیره) و ری و قم و قزوین و نیشابور رخ داده است. پس این تحول در قلمرو لهجه‌های مرکزی و شرق و شمال شرق ایران روی داده است و ظاهراً در فارسی امروز اثری از آن نیست. در مثال‌های فوق «ن» اول نشان‌دهنده غنه‌شدگی مصوت قبل از آن است.

تحولاتی که در مقاله جدید درباره آنها بحث می‌شود دو دسته‌اند: الف) تحول در صامت‌ها؛ ب) تحول در مصوت‌ها.

الف) تحول در صامت‌ها

در برخی متون کهن معتبر در تعدادی از صفات فاعلی به جای «نده»، «یده» آمده است که برخی از مصححان تصور می‌کنند از این دو ضبط، ضبط با حرف «ی» غلط است؛ بنابراین این موارد را به حاشیه برده و صورت با صامت «ن» را در متن قرار می‌دهند.

در ادامه نمونه‌هایی از این موارد را ذکر می‌کنیم. این موارد به ترتیب الفبا عبارت‌اند از: «آشامیدگان» به جای «آشامندگان»، در ترجمه شاربین (فرهنگنامه قرآنی، ۲/ ۸۸۲، قرآن: ۳۰)؛ آمرزیده (= آمرزنده)، در ترجمه غفور: خدای آمرزیده^۱ است و رحمت‌کننده (بخشی از تفسیری کهن، ص ۱۵۵)؛

«بازگردیده» به جای «بازگردنده»، در ترجمه اواب: یاد کن بنده ما را داود خداوند دستها که او بود بازگردیده (ترجمه تفسیر طبری، ج ۶، ص ۱۵۵۴) و نیز: اینست آنچه وعده کرده آمدتان هر بازگردیده‌ای نگاه‌بان را (همان، ج ۷، ص ۱۷۴۳) و نیز در تفسیر سوراآبادی (ج ۴، ص ۲۴۱۷): اینست آنچه وعده می‌کردند هر بازگردیده را نگه دارند از کفر. و همچنین در ترجمه مُنِیب: دیدنی به عبرت و پندی هر بنده‌ای را بازگردیده (ترجمه تفسیر طبری، ج ۷، ص ۱۷۴۰)، که ترسد از خدای عزوجل به‌نهانی و بی‌ارد دلی بازگردیده (همان، ج ۷، ص ۱۷۴۳) و «بازگردیدگان» به جای «بازگردندگان»، در ترجمه ثابِت (فرهنگنامه قرآنی، ج ۲، ص ۳۷۳، قرآن ۱۱۹، ستون ۲)؛

«رسیده» به جای «رسنده»، در ترجمه بالغه (همان، ج ۱، ص ۳۳۲، ستون ۱)؛ «سگالیدگان» به جای «سگالندگان»، در ترجمه الماکرین (همان، ج ۳، ص ۱۲۸۶، قرآن ۱۲۴، ستون ۱)؛

«بچشیدگان» به جای «چشندگان»، در ترجمه ذائقون: واجب شد بر ما گفتار خدای ما، ما بچشیدگانیم^۲ (رازی، ج ۱۶، ص ۱۷۴)؛

«برآغالیدگان» به جای «برآغالندگان»، در ترجمه مُکَلَّبِین (فرهنگنامه قرآنی، ج ۳، ص ۱۴۱۳، قرآن ۴۲، ستون ۱)؛

«برگردیده‌گان» به جای «برگردندگان»: بودند از آن برگردیده‌گان [= مُعْرِضِین] (رازی، ۷/ ۲۲۵)؛

۱. در نسخه بدل «دا»: چشندگانیم.

۲. مصحح در متن «آمرزنده» آورده است.

«پراکنیدگان» به جای «پراکنندگان»، در ترجمه مُبذَرین: که پراکنیدگان یعنی بناشایست،

هستند برادران دیوان (متنی پارسی از قرن چهارم هجری؟، ص ۷۷)؛

«پرستیده» به جای «پرستنده»: گروهی را زیشان پرستیدهٔ دون خدای کرد (سورآبادی، ج ۵،

ص ۳۲۱۶، مربوط به ج ۱، ص ۵۸۴)؛

«پرسیدگان» به جای «پرسندگان»، در ترجمه سائِلین (فرهنگنامهٔ قرآنی، ج ۲، ص ۸۳۱ قرآن

۱۱۰، ستون ۲)؛

«پیش شویدگان» به جای «پیش شوندگان»، در ترجمه سابقین (همان، ج ۲، ص ۸۳۲، قرآن ۶۹،

ستون ۲)؛

«جنبیده» به جای «جنبنده»، در ترجمه ذَابَّة (همان، ج ۲، ص ۷۲۳، قرآن ۶۷، ستون ۱)؛

«چشیدگان» به جای «چشندگان»، در ترجمه ذَائِقُونَ (همان، ج ۲، ص ۷۴۴، قرآن ۲۲، ستون ۲)؛

«خرامیده» به جای «خرامنده»، در ترجمه مُخْتَلَا (همان، ج ۳، ص ۱۳۲۵، قرآن ۶۹، ستون ۲)؛

«دوشیده» به جای «دوسنده»، در ترجمه لازب: و ما بیافریدیم ایشان را از گل دوشیده

(ترجمه تفسیر طبری، ۱۵۱۷/۶)؛

«ستهیده» به جای «ستهنده»، در ترجمه عَنَبِد (فرهنگنامهٔ قرآنی، ج ۳، ص ۱۰۵۳، قرآن ۱۰۰، ستون ۲) و

نیز «ستهیده» به جای «ستهنده»، در ترجمه عَنَبِد (همان، ج ۳، ص ۱۰۵۳، قرآن ۲۹، ستون ۲)؛

«شویدگان» به جای «شوندگان»، در ترجمه سَمَاعُونَ (همان، ج ۲، ص ۸۶۵، قرآن ۷۶، ستون ۱)؛

فروپوشیده (= فروپوشنده): اُیْمَن می شوند از آنک بیاید به ایشان، عذابیه به همه

رسنده و همه را فروپوشیده^۱ بدین جهان (نسفی، ج ۱، ص ۴۶۷)؛

«کوبیده» به جای «کوبنده»، در ترجمه القارعة (فرهنگنامهٔ قرآنی، ج ۳، ص ۱۱۲۷، قرآن ۱۳۶، ستون ۱)؛

«کینه کشیدگان» به جای «کینه کشندگان»، در ترجمه مُنْتَقِمُونَ (همان، ج ۳، ص ۱۴۳۵، قرآن ۹۲،

ستون ۱)؛

«لغزیده» به جای «لغزنده»: اومید دارم که خدای من ... بفرستد بر آن بوستان تو آفتی یا

سرمایی از آسمان، آنگاه گردد بوستان تو خالی و هامون و خشک لغزیده [= زَلْقَاء]

(ترجمه تفسیر طبری، ج ۴، ص ۹۲۷، حاشیه، نسخه بدل «خ»؛ و نیز در فرهنگنامهٔ قرآنی، ج ۲،

ص ۸۲۳، قرآن ۳۹، ستون ۱)؛

۱. مصحح «فروپوشیده» را به حاشیه برده و در متن «فروپوشنده» آورده است.

«نازیده» به جای «نازنده»، در ترجمه فُخُوراً (همان، ج ۳، ص ۱۰۹۹، قرآن ۶۹، ستون ۱)؛
 «ناگیریده» به جای «ناگیرنده»^۱ (نسفی، نسخه عکسی، مطابق ج ۱، ص ۵۱۳، س ۲ چاپی)؛
 «نگریدگان» به جای «نگرندگان»، در ترجمه ناظرین: و برآراستیم آن را نگریدگان شب
 را (میبدی، ۲۸۸/۵، حاشیه، نسخه بدل «الف»؛ و نیز در فرهنگنامه قرآنی، ج ۴، ص ۱۴۶۹، قرآن ۵۷،
 ستون ۲)، تَسْرُ النَّاطِرِينَ: نگریدگان را خرم کند از صفای لون، و این لون بر گاو نکو
 باشد، و چشم مولع بود به نگریدن به او (رازی، ج ۲، ص ۱۱) و نیز «نگریده» به جای
 «نگرنده»، در ترجمه ناظرة: و من فرستیده ام سوی ایشان بهدیه ی پس نگریده ام بچه
 بازگردند فرستادگان (فرهنگ لغات قرآن خطی شماره ۴ آستان قدس، ص ۴۷۲).

بر اساس شواهدی که نقل شد می توان نتیجه گرفت که تکرار فراوان این کاربرد
 احتمال خطای کاتبان را ضعیف می کند و باید به دنبال راه حلی بود که این شیوه
 استعمال را توجیه پذیر سازد. نگارنده در باب این کاربرد، نظری دارد که در ادامه به
 شرح آن می پردازد و تا کنون کسی بدان نپرداخته است.

«یده» صورت تحول یافته (e)-inda- است که با دو تحول بدین صورت درآمده: تحول
 اول حذف صامت n از -نده است (برای شواهد حذف n از -نده ر.ک. ابتدای همین مقاله) و
 تحول دوم، کشش مصوت e/i است که به ē/ī بدل شده است. این کشش در اصطلاح
 کشش جبرانی نامیده می شود و در زبان شناسی این گونه بیان می گردد: هرگاه در کلمه ای
 بعد از یک مصوت یک یا دو صامت آمده باشد و به دلیلی از دلایل آوایی (یکی از این
 (دو) صامت حذف شود، مصوت مورد بحث، به جبران حذفی که صورت گرفته،
 کشیده تلفظ می شود.

تلفظ دقیق «یه» در «یده» امروز برای ما روشن نیست. این حرف می تواند نماینده
 مصوت های بلند ē یا ī باشد. بنابراین می توان «سیده» را به شکل īda- یا ēda- آوانویسی کرد.^۲
 بنابراین پسوند «نده» با دو تحول به «یده» بدل می شود: ۱. حذف صامت «ن»؛
 ۲. کشش مصوت.

۱. مصحح در متن، «ناگیرنده» قرار داده است.

۲. درضمن شاهی از تفسیر ابوالفتح وجود دارد که علت اشباع (i / ē) در آن بر نگارنده پوشیده است: گریزینده (= گریزنده): کرار باشد حمله برد، فرار نباشد گریزینده (رازی، ج ۱۷، ص ۳۴۰، حاشیه، نسخه بدل «ما»).

ب) تحول در مصوت‌ها

۱. ـ نَدَه (-unda) / ـ نَدِه (-unde)

بَسُنْدَه: بَسُنْدَه است، در ترجمه کَفَى (فرهنگنامه قرآنی، ج ۳، ص ۱۲۲۶، قرآن ۵۳، ستون ۱)؛
پَسُنْدَه، در ترجمه حَسِيب (میدانی، ص ۶۴)؛
رازگویندگان، در ترجمه نَجِيًّا (فرهنگنامه قرآنی، ج ۴، ص ۱۴۸۶، قرآن ۵۵، ستون ۲)؛
کُنْدِگان، (نسفی، مقدمه، ص ۵۲، سوره ۵/۵): غیرمسافحین و لامتخدی اخدان نه زناکنندگان،
و نه دوستان‌گیرندگان (سوره مائده، ص ۲۰۶).

۲. افزوده شدن مصوت‌های کوتاه a، i (e امروز) و u (o امروز) به ـ نَدِه

صورت دیگری که در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد اضافه شدن مصوت
میان‌هسته به این پسوند است.
در تعدادی از کلمات فارسی یک مصوت کوتاه میان دو صامت، افزوده می‌شود که
مصوت میانجی (یا میان‌هسته) نامیده می‌شود.^۱ این فرایند برای به دست آمدن الگوی
هجایی یا واژگانی ساده‌تر و در نتیجه تلفظ آسان‌تر صورت می‌گیرد.

ـ نَدِه (e)-anada^۲

بِیْرُونِ آرَنَدِه، در ترجمه مُخْرَجٌ* (فرهنگنامه قرآنی، ج ۳، ص ۱۳۲۷، قرآن ۵۵، ستون ۱)؛
پَنْدِگِیرِنْدِگان، در ترجمه الذَّاكِرِینَ (همان، ج ۲، ص ۷۴۷، قرآن ۵۵، ستون ۱)؛
پُوشَانَنَدِه، در ترجمه غَاشِیة (همان، ج ۳، ص ۱۰۶۰، قرآن ۵۵، ستون ۲)؛

۱. دکتر علی‌اشرف صادقی می‌نویسد: ظاهراً کیفیت این مصوت‌ها تحت تأثیر صامت‌ها و مصوت‌های مجاور آنهاست. به نظر می‌رسد در ابتدا یک مصوت خنثی بین دو صامت قرار می‌گیرد و تا مدت‌ها این کلمات با مصوت خنثی تلفظ می‌شدند ولی بعدها تحت تأثیر صامت‌های کنار مصوت خنثی و یا مصوت هجای بعد و یا تحت تأثیر عوامل ناشناخته دیگر این مصوت به a، i یا u بدل شده است و علت اینکه مصوت میانجی در کلماتی از این قبیل گاهی به دو صورت تلفظ می‌شده نیز همین مسئله بوده که این مصوت تا مدت‌ها زنگ و کیفیت خاصی نداشته و بعدها این کیفیت ایجاد شده است (ر.ک. صص ۱۵، ۱۶ و ۱۷). برای اطلاع بیشتر از تعریف و شواهد مصوت میان‌هسته ر.ک. صادقی و حاجی‌سیدآقایی، ص ۶۲.

۲. از بین شواهد این بخش فقط « پیچَنده» اعراب کامل دارد و معرف تلفظ anada- است و در بقیه شواهد حرکت «د» مشخص نیست، بنابراین در این آوانگاری، e را در میان پرانتز اضافه کردیم.

پیچَنده: پیچَنده و زَوَجَنده، در ترجمه لَبَّاءُ (همان، ج ۳، ص ۱۲۷۳، قرآن ۱۰، ستون ۲)؛
دَرَاژ کُننده، در ترجمه بَسِط (همان، ج ۱، ص ۳۲۸، قرآن ۵۵، ستون ۲)؛
فریبَنده، در ترجمه العُرُور (همان، ج ۳، ص ۱۰۶۶، قرآن ۱۴، ستون ۲)؛
کُشَنده، در ترجمه باخِع (همان، ج ۱، ص ۳۲۷، قرآن ۱۱۹، ستون ۱)؛
گُشَاينده، در ترجمه کَاشِف (همان، ج ۳، ص ۱۱۸۴، قرآن ۵۵، ستون ۲)؛
مَاننده، در ترجمه تَارِك (همان، ج ۲، ص ۳۷۵، قرآن ۵۵، ستون ۱)؛
نگاه دارنده، در ترجمه واق (همان، ج ۴، ص ۱۵۹۵، قرآن ۵۵، ستون ۲).^۱

– نَدَه (i/nada)-a^۲

بیم کُنندگان، در ترجمه النُّذْر (همان، ج ۴، ص ۱۴۹۵، قرآن ۵۵، ستون ۲)؛
گوینده، در عبارت زَنان اَنباز گوینده، در ترجمه المُشْرِكات (همان، ج ۳، ص ۱۳۶۹، قرآن ۵۵،
ستون ۱)؛
پیدا کُننده، در ترجمه المُسْتَبِين (همان، ج ۳، ص ۱۳۵۱، قرآن ۵۳، ستون ۲)؛
خواننده، در ترجمه اللِّدَاع (همان، ج ۲، ص ۷۲۶، قرآن ۵۵، ستون ۲).

۱. در تعدادی از مثال‌های فرهنگنامه قرآنی فقط روی «ن» فتحه گذاشته شده است. از آنجاکه نسخ خطی این قرآن‌ها در اختیار ما نیست، نمی‌دانیم که فتحه مربوط به «ن» است یا حرف قبل از آن. این شواهد عبارت‌اند از: امیددارندگان، در ترجمه طَمَعاً (فرهنگنامه قرآنی، ج ۳، صص ۹۶۷-۹۶۸، قرآن ۵۵، ستون ۱)؛ پَبای کُننده، در ترجمه قائماً (همان، ج ۳، ص ۱۱۲۴، قرآن ۵۵، ستون ۱)؛ باز کُننده، در ترجمه باسِط (همان، ج ۱، ص ۳۲۸، قرآن ۵۵، ستون ۲)؛ پاکیزه کُننده، در ترجمه مُطَهَّرُک (همان، ج ۳، ص ۱۳۸۱، قرآن ۵۵، ستون ۲)؛ جُدا کُننده، در ترجمه العُرُقَان (همان، ج ۳، ص ۱۱۰۳، قرآن ۵۵، ستون ۲)؛ جَنگ کُنندگان، در ترجمه عَزَى (همان، ج ۳، ص ۱۰۶۷، قرآن ۵۵، ستون ۲)؛ رَسَوَا کُننده، در ترجمه مُخْزَى (همان، ج ۳، ص ۱۳۲۷، قرآن ۵۵، ستون ۲)؛ شِکافنده، در ترجمه فَالِق (همان، ج ۳، ص ۱۰۹۱، قرآن ۵۵، ستون ۲)؛ فروش کُننده، در ترجمه الفاهِر (همان، ج ۳، ص ۱۱۳۳، قرآن ۴۲، ستون ۱)؛ فریبنده، در ترجمه العُرُور (همان، ج ۳، ص ۱۰۶۶، قرآن ۵۳، ستون ۲)؛ مؤدده دهندگان، در ترجمه مُبَشِّرِين (همان، ج ۳، ص ۱۲۹۴، قرآن‌های ۴۵ و ۵۳، ستون ۲)؛ نازاينده، در ترجمه عَاقِر (همان، ج ۳، ص ۹۹۶، قرآن ۴۲، ستون ۱). وجود میان‌هشت در اینجا در صورتی مسلم است که فتحه روی «ن» غلط چاپی نباشد.

۲. در این شواهد حرکت ماقبل «ن» مشخص نیست و از آنجاکه هر دو تلفظ نَنده و نِنده وجود دارد، در آوانگاری این پسوند هر دو حرکت لحاظ شده است.

- نَدِه: -a(i)nade^۱

کارگنندگان، در ترجمهٔ الْعَامِلِينَ (همان، ج ۳، ص ۹۹۹، قرآن ۴۲، ستون ۲)؛
نَائِبِيَسِنْدِگَان، در ترجمهٔ الْأَمِيِن (همان، ج ۱، ص ۲۵۹، قرآن ۴۲، ستون ۱).

- نَدِه: -aneda(e)

گرامی گنیده، در ترجمهٔ مُكْرِم (همان، ج ۳، ص ۱۴۱، قرآن ۵۱، ستون ۱).

- نُدِه: -anuda

بُخْشَائِيَنُدِه، در ترجمهٔ الْوَهَّاب (همان، ج ۴، ص ۱۶۲۰، قرآن ۵۳، ستون ۱).

- نَدِه: -a(i)neda

روی گردانندگان، در ترجمهٔ مُعْرِضُونَ (همان، ج ۳، ص ۱۳۸۶، قرآن ۵۵، ستون ۲).

نکته ای دربارهٔ پسوند سازندهٔ صفت فاعلی (— ند)

همان طور که در آغاز مقاله گفته شد «— نده» در ایرانی باستان ابتدا -ant- بوده و سپس -aka- بدان اضافه شده است و مصوتی که «ه» نمایندهٔ آن است، در «— نده» باقی ماندهٔ -aka- است. از جملهٔ صفات فاعلی ای که با افزودن -ant- ساخته شده و به فارسی دری رسیده و هویت صفت فاعلی خویش را از دست داده کلمهٔ «بلند» است. البته در فارسی دری نیز صفات فاعلی ساخته شده با «ند» دیده می شود که برخی مصححان «ه» را در میان قلاب به آن افزوده اند، مانند:

«آب جویند» به جای «آب جوینده»: بیامند گذرندگان، بفرستادند آب جویند (= وارد) خویش را، و فرو گذاشت دلو خویش، گفت: ای بشر ای این نک (= اینک) غلامی

(ترجمهٔ تفسیر طبری، ج ۳، ۷۴۰، حاشیه)؛

«آفرینند» به جای «آفرینده»، در ترجمهٔ فاطر (فرهنگنامهٔ قرآنی، ۱۰۸۹/۳، قرآن ۱۳۹)؛

«آه کنند» به جای «آه کننده»: الاوَاه: آه کنند از بیم خدا (متحد مروز، ص ۱۶۱)؛

۱. در این شواهد حرکت ماقبل «ن» مشخص نیست، بنابراین در آوانگاری این پسوند هر دو حرکت لحاظ شده است.

«بسند» به جای «بسند»: حَسْبُكَ: بس تو را بسند است ترا (زمخشری، ۵۱۹/۱) و همچنین در ترجمه قرآن موزه پارس، ص ۱۳۷: بگو یا محمد، بسند خدای میان من و میان شما گواهی.

«بیان کنند» به جای «بیان کننده»: نیست این آلا یادکردی و قرآنی بیان کنند^۲ [= مبین] (رازی، ۱۶/۱۶۶)؛

«توبه کنند» به جای «توبه کننده»: او توبه کنند [= آوآب] بود (همان، ۲۷۰/۱۶، حاشیه، نسخه بدل «دا»):

«خُرامند» به جای «خرامنده»، در ترجمه مُختِلاًلاً (فرهنگنامه قرآنی، ج ۳، ص ۱۳۲۵، قرآن ۱۱۴، ستون ۲)؛

«خوار کنند» به جای «خوار کننده»: ببجارد برای ایشان عذابی خوار کنند [= مهنیا] (رازی، ۲۰/۱۶)؛

«دراز کنند» به جای «دراز کننده»، در ترجمه باسِط (فرهنگنامه قرآنی، ج ۱، ص ۳۲۸، قرآن ۸۴، ستون ۲)؛

«راست گوی دارند» به جای «راست گوی دارنده»، در ترجمه مُصَدِّقاً: راست گوی دارند^۳ مر آنچ را پیش از ویست (ترجمه‌ای فارسی از قرآن مجید، ص ۲۲۳)؛

«زجر کنند» به جای «زجر کننده»: به حق فریشتگان صف کشیده، و به حق فریشتگان زجر کنند (رازی، ۱۷۸/۱۶)؛

«گروند» به جای «گرونده»، در ترجمه مؤمن: و نبود مر مردی گروند^۴ و نه زنی گرونده را (ترجمه‌ای فارسی از قرآن مجید، ص ۲۱۶)؛

«هنباز گیرندان» به جای «هنباز گیرندگان»: شما و آن هنبازان شما جدا می‌کنیم میان ایشان، گویند که هنباز گیرندان ایشان (= شُرَكَاءُ هُمْ) که نه بودید ما را پرستندگان (ترجمه تفسیر طبری، ۶۷۱/۳، حاشیه، نسخه «خ»).

۱. «بسند» صفت فاعلی است و پسوند سازنده صفت فاعلی برخلاف قاعده به صفت افزوده شده نه به ماده مضارع (حسن دوست: ۲۰۰).

۲. مصححان در متن «بیان کنند[ه]» آورده‌اند.

۳. مصحح در متن «راست‌گوی دارند[ه]» آورده است. ۴. مصحح در متن «گروند[ه]» آورده است.

این نکته شایان ذکر است که «-ند» و «-نده» در بسیاری از متون در کنار هم به کار رفته است.

در برخی متون کهن به جای «ند» سازنده صفت فاعلی، «ید» آمده که می توان گفت مبدل ind- است و در آن نیز تحول مذکور در فوق روی داده است^۱ و اینک شواهد آن: «ستیهید» به جای «ستیهند (= ستیهنده)»: عَنیداً: ستیهید و کین کش (فرهنگنامه قرآنی، ج ۳، ص ۱۰۵۳، قرآن ۱۳۸، ستون ۱)؛

«مژده دهید» به جای «مژده دهند = مژده دهند»، در ترجمه مُبَشِّرًا (همان، ج ۳، ص ۱۲۹۴، قرآن ۸، ستون ۱)، قس مژده دهند (= مژده دهند)، در ترجمه مُبَشِّرَاتٍ (همان، ج ۳، ص ۱۲۹۴، قرآن ۶۱، ستون ۱)؛

«ناخواهید» به جای «ناخواهند = ناخواهنده»: زندگانی کنید با ایشان بنکوی اگر ناخواها باشید ایشان را مگر کی ناخواهید باشید [= اَنْ تَكْرَهُوا] چیزی را و بکند خدای اندر آن نیکوی بسیار (متنی پارسی از قرن چهارم هجری، ص ۱۱۰).

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۷)، دستور تاریخی مختصر زبان فارسی، سمت، تهران؛
- _____ (۱۳۸۴)، تاریخ زبان فارسی، ج ۵، سمت، تهران؛
- اسفرینی، شاهفور بن طاهر بن محمد (۱۳۷۵)، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، به کوشش نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی، علمی و فرهنگی (با همکاری دفتر نشر میراث مکتوب)، تهران؛
- بخشی از تفسیری کهن به پارسی (۱۳۵۱)، به کوشش محمد روشن، با یادداشتی از استاد مجتبی مینوی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران؛
- ترجمه ای فارسی از قرآن مجید (۱۳۶۸)، به کوشش علی رواقی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران؛
- ترجمه تفسیر طبری (۱۳۳۹-۱۳۴۴)، به اهتمام حبیب یغمایی، دانشگاه تهران؛
- ترجمه قرآن موزه پارس (۲۵۳۵ [= ۱۳۵۵])، به کوشش علی رواقی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران؛
- ترجمه و قصه های قرآن (۱۳۸۸)، به اهتمام یحیی مهدوی و مهدی بیانی، دانشگاه تهران، تهران؛
- حاجی سیدآقایی، اکرم السادات (۱۳۸۴)، «نگاهی به پسوند -نده و تحولات آن»، پژوهش های ادبی، ش ۹ و ۱۰، ص ۴۷-۷۴؛
- حسن دوست، محمد (۱۳۴۹)، فرهنگ ریشه شناسختی زبان فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران؛

۱. یعنی در ابتدا and- به ind- تبدیل و سپس n حذف شده است [گرایش به تبدیل a به (i/e) قبل از n در متون مانوی نیز دیده می شود].

دهار، قاضی خان بدرمحمد (۱۳۴۹)، *دستورالانخوان*، به تصحیح سعید نجفی اسداللهی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران؛ رازی، ابوالفتوح (۱۳۶۵-۱۳۷۵)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن* (مشهور به تفسیر ابوالفتوح)، به کوشش محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، چ ۲، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد؛

زمخشری خوارزمی، محمود بن عمر (۱۳۴۲)، *پیشروادب یا مقدمه‌الادب*، به اهتمام سید محمدکاظم امام، دانشگاه تهران، تهران؛

سورآبادی، ابوبکر عتیق (۱۳۸۰)، *تفسیر سورآبادی*، به تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، فرهنگ نشر نو، تهران؛ صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۰)، *مسائل تاریخی زبان فارسی*، سخن، تهران؛ صادقی، علی‌اشرف و اکرم‌السادات حاجی‌سیدآقایی (۱۳۸۹)، «برخی نشانه‌های نادر جمع در زبان فارسی»، *دستور* (ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان)، ش ۶، ص ۵۴-۷۶؛

فرهنگ لغات قرآن خطی آستان قدس رضوی شماره ۴ (۱۳۶۳)، به کوشش احمدعلی رجائی بخارائی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران؛

فرهنگنامه قرآنی (۱۳۷۷)، تدوین گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی (با نظارت محمدجعفر یاحقی)، چ ۲، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد؛

متحمّد مروزی، محمدبن منصور (۱۳۶۱)، *الدرر فی الترجمان*؛ به تصحیح محمد سرور مولایی، علمی و فرهنگی، تهران؛

متنی پارسی از قرن چهارم هجری؟ [بی‌تا]، به کوشش احمدعلی رجائی بخارائی، آستان قدس، [مشهد]؛ میدانی، ابوسعید سعید بن احمد (۱۳۸۲)، *الاسمی فی الاسماء*، به اهتمام جعفرعلی امیدی نجف‌آبادی، چ ۲، اسوه، تهران؛

نسفی، ابوحفص نجم‌الدین عمر بن محمد (۱۳۷۶) *تفسیر نسفی*، به تصحیح عزیزالله جوینی، چ ۳، سروش، تهران؛ *تفسیر نسفی*، نسخه عکسی.